

**Political Activism of Female Students in the University
Field (Case Study: Students of Allameh Tabataba'i University)**

Saideh Amini¹, Solmaz Hamidi²

Received: Dec.03, 2024

Approved: Jan. 7, 2024

DOI: 10.22034/SCM.2024.189943

Abstract

Society has witnessed political activism in both public and private spheres by various groups at different times. During collective actions and under the shadow of strategies, individuals adopt specific tactics and enter the arena as political actors to pursue their demands. In this article, relying on a suitable conceptual framework and thematic analysis method, the political activism of female students is studied from the perspective of employing diverse tactics. The research findings indicate that the protest tactics of female students are divided into two main categories: discursive (expressive) tactics and resistance tactics. The first category includes verbal, linguistic, behavioral, and visual expressions, positive requests, and negative criticisms, while the second category encompasses resistance actions in the context of daily life. The tactics are also classified into two types based on their nature: confrontational (compulsory) actions and constructive (persuasive) actions, which are implemented under two major strategies: changing laws and creating an open political space. Participants consistently and over the long term have demanded the establishment and expansion of an open political space, as well as changes to certain laws, including gender-related laws, both within the university and in everyday life.

Keywords: Activism, Strategy, Tactics, Confrontational Action, Constructive Action, Discursive Tactics, Resistance Tactics

¹ Associate Professor, Department of Sociology, Allameh Tabataba'ei University, Tehran, Iran (Corresponding Author) saeedeh.amini280@gmail.com

² PhD Student, Allameh Tabataba'ei University, Tehran, Iran; slmz.hamidi@gmail.com



سال سیزدهم / زمستان ۱۴۰۳

کنشگری سیاسی دانشجویان دختر در میدان دانشگاه (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی)

• سعیده امینی^۱، سولماز حمیدی^۲

تاریخ دریافت: ۰۲/۹/۱۳، تاریخ تایید: ۰۲/۱۱/۱۷

DOI: 10.22034/SCM.2024.189943

چکیده

جامعه در زمان‌های مختلف، شاهد کنشگری سیاسی در عرصه‌های عمومی و خصوصی از سوی اقشار مختلف بوده است. در خلال کنش‌های جمعی و در سایه استراتژی‌ها، افراد تاکتیک‌های خاصی را اتخاذ می‌کنند و به‌مثابه کنشگر سیاسی وارد عرصه شده و مطالباتی را پیگیری می‌کنند. در این مقاله با اتکا به چارچوب مفهومی مناسب و روش تحلیل تماتیک، کنشگری سیاسی دانشجویان دختر از منظر کاربست تاکتیک‌های متنوع مطالعه شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تاکتیک‌های اعتراضی دختران دانشجو، به دو دسته کلی تاکتیک‌های گفتاری (بیانی) و تاکتیک‌های مقاومتی تقسیم می‌شود. دسته اول شامل بیانات گفتاری، زبانی، رفتاری، تصویری، درخواست‌های مثبت و انتقادهای منفی و دسته دوم شامل کنش‌های مقاومتی در جریان زندگی روزمره است. تاکتیک‌ها همچنین بر اساس نوع به دو دسته کنش‌های مقابله‌ای (اجباری) و کنش‌های سازنده (اقتناعی) دسته‌بندی می‌شوند که زیر چتر دو استراتژی عمده اعمال می‌گردند: تغییر قوانین و ایجاد فضای باز سیاسی. مشارکت‌کنندگان به‌طور مستمر و طولانی‌مدت، خواهان ایجاد و گسترش فضای باز سیاسی و همچنین تغییر برخی قوانین از جمله قوانین جنسیتی در دانشگاه و در سطح زندگی روزمره بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: کنشگری، استراتژی، تاکتیک، کنش مقابله‌ای، کنش سازنده، تاکتیک‌های گفتاری، تاکتیک‌های مقاومتی

^۱ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
saeede.amini280@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛
slmz.hamidi@gmail.com
فصلنامه علمی جامعه، فرهنگ و رسانه/ سال سیزدهم، شماره ۵۳، زمستان ۱۴۰۳ / ص ۱۲۷-۱۵۵

مقدمه

کنشگری با ماهیت مطالبه‌گری صور متکثری دارد و عرصه جامعه مدنی را نقطه عزیمت قرار می‌دهد تا به اهداف متنوع دست یابد. کنشگری غالباً توأم با اعتراض است و به تناسب اهدافش دامنه آن از کنش‌های مسالمت‌آمیز اصلاحی تا کنش‌های خشونت‌آمیز رادیکال است. کنشگران به شیوه‌های مختلفی اعتراضات خود را دنبال می‌کنند که هر یک از شیوه‌ها از منطق‌های متفاوتی تبعیت می‌کنند و دامنه آن‌ها از بیانیه‌های فردی و امضای دادنامه‌ها تا تظاهرات گسترده است. کنشگران ممکن است اعتراض خود را به شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم بیان کنند؛ گاه روشی را برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی یا سیاست‌های دولت ترتیب دهند، یا ممکن است اقدام مستقیمی برای ایجاد تغییرات دلخواه خود انجام دهند و یا دست به اقدامات غیرمستقیم بزنند. در ادوار مختلف، بسته به اقتضای جوامع و تنوع اهدافی که اعتراض برای تحقق آن‌ها صورت می‌گیرد، شکلی از اعتراض انتخاب و شکل دیگری کنار گذاشته می‌شود. بر این اساس کنشگران از استراتژی‌ها و تاکتیک‌های متفاوتی بهره می‌گیرند تا بتوانند به بهترین و تأثیرگذارترین شکل ممکن، مطالبات خود را دنبال کنند؛ بنابراین، بررسی تاکتیک‌ها و استراتژی‌های کنشگران به مثابه گام مهمی برای شناسایی ماهیت اعتراضات است.

در جوامع امروزی، انسان‌ها در هر عرصه‌ای از اجتماع می‌توانند به صورت یک «انسان معترض» ظاهر شوند. عرصه‌های اعتراض از سطوح خرد همچون درون خانواده و محله تا سطوح کلان همچون عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد، به طوری که در سال ۲۰۱۱، مجله تایمز «انسان معترض»^۱ را شخصیت سال نامید (جانستون، ۱۳۹۹: ۲۰). با این وجود، در عصری که به نظر می‌رسد اعتراض در همه جا وجود دارد، فهم ما از تصمیماتی که کنشگران در مورد تاکتیک‌ها و استراتژی‌ها می‌گیرند، عمق نیافته و مستلزم مذاقه است. تصمیم‌گیری در مورد تاکتیک‌ها نه تنها هویت‌های جمعی و سلیقه در تاکتیک‌ها را منعکس می‌کند، بلکه یک حس استراتژیک از نحوه عملکرد جهان اجتماعی را منعکس می‌کند که در اعتراضات و ناآرامی‌های مختلف، متفاوت است.

در میان اعتراضات گوناگونی که از اواسط قرن بیستم به این سو شاهد بوده‌ایم، شاید بتوان اعتراضات مختلف و گسترده زنان را مهم و در خور توجه دانست. زنان لزوماً پذیرای بی‌چون و چرای قوانین و رویه‌های موجود نیستند و در سطوح مختلف خانوادگی، اجتماعی و

^۱ The Protester

سیاسی، به‌عنوان مطالبه‌گرانی پیگیر، در جهت اصلاح و بهبود قوانین و رویه‌ها تلاش می‌کنند؛ بنابراین، نوع و نحوه کنشگری‌های زنان در هر جامعه‌ای می‌تواند عامل یا مانع رسیدن آن‌ها به مطالباتشان باشد. لذا اتخاذ تاکتیک صحیح، دقیق و به‌موقع ممکن است برای آنان راهگشا بوده یا برعکس انتخاب نوع ناکارآمد آن مسیر تحقق مطالبات را سد نماید.

در سال‌های اخیر نحوه اعتراضات زنان مانند شیوه‌های اعتراض سایر نیروهای اجتماعی دچار دگرذیسی شده است و استفاده از فضاهای مجازی، وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی بیش از شیوه‌های کلاسیک بیان اعتراض به زنان کمک کرده تا بتوانند مطالبات خود را بیان و پیگیری کنند. یک قشر از زنان مطالبه‌گر، دانشجویان هستند که میدان دانشگاه را به‌مثابه عرصه‌ای قلمداد می‌کنند که امکان طرح مطالبات و تحقق آن‌ها وجود دارد. وجود گروه‌های هم‌سن و هم‌رأی در فضای آکادمیک، بستر تفاهم و اجماع بر سر مطالبات را بین گروه‌های متنوع آنان فراهم می‌نماید. بر این اساس در مقاله حاضر دختران دانشجو به‌مثابه نمونه‌ای مطالبه‌گر از اجتماع زنان لحاظ شدند که به‌منظور تحدید دامنه مطالعه، دانشجویان فعال سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی به‌عنوان نمونه بررسی انتخاب شدند که زمان مصاحبه با آنان سال ۱۳۹۹ بوده است. به‌منظور تحقق اهداف تحقیق که شناسایی شیوه‌های کنشگری دانشجویان دختر فعال سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی بوده است دو پرسش عمده مطرح شده‌اند؛ استراتژی‌های دختران دانشجو در میدان دانشگاه چیست؟ برای تحقق استراتژی‌ها از چه تاکتیک‌هایی استفاده می‌کنند؟

تحقیقات پیشین

تاکنون تحقیقات زیادی در مورد انواع جنبش‌های زنان در سراسر دنیا صورت گرفته است. ولی تحقیقات بسیار کمی وجود دارد که به‌طور اختصاصی، استراتژی‌ها و تاکتیک‌های خاص زنان در جنبش‌های مختلف را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده باشد؛ بنابراین، در جست‌وجوی پیشینه تحقیق، نتایج زیادی که اختصاصاً مربوط به استراتژی‌ها و تاکتیک‌های اعتراضی زنان باشد حاصل نشد. لذا، به ذکر چند تحقیق در مورد کنشگری و مشارکت سیاسی دختران دانشجو اکتفا می‌کنیم.

زندى و طوسى (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای با عنوان «فرایند طرد و حذف زنان در جنبش دانشجویی ایران» سازوکارها و روابط قدرت در بین زنان و مردان در این جنبش را مورد مطالعه

قرار داده‌اند. در این پژوهش با هفده نفر از زنان فعال در انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های تهران مصاحبه شده و با استفاده از روش پدیدارشناسی، فرایند طرد و حذف زنان، مورد واکاوی قرار گرفته است. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که در بخش برون‌جنبشی، باور و اعتقادات عمومی و خانواده در کنار ساختارهای تثبیت‌کننده نابرابری، به‌عنوان مانعی برای فعالیت زنان بیان می‌شوند. در بخش درون‌جنبشی، مقاومت در برابر تغییر جایگاه مردانه و استفاده ابزاری از زنان نقشی مهم در حذف و یا کم‌رنگ شدن آن‌ها در جنبش دانشجویی دارد. در بخش کنشگر نیز، فقدان خود، نقش بسیار مهمی در حذف زنان در جنبش دانشجویی را بر عهده دارد.

امام‌جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۹۲)، با مطالعه رفتار سیاسی دانشجویان دختر، به بررسی رابطه میان فرهنگ سیاسی و رفتار سیاسی دختران دانشجو در شهر اصفهان پرداخته‌اند. این مطالعه بر روی ۳۸۴ نفر از دختران دانشجوی شهر اصفهان صورت گرفته است؛ نتایج تحقیق رابطه معناداری بین ابعاد فرهنگ سیاسی (شامل سمت‌گیری‌های شناختی، سمت‌گیری‌های احساسی و سمت‌گیری‌های ارزیابانه) و ابعاد رفتار سیاسی شامل رفتار (رأی دادن و فعالیت‌های سیاسی انتخاباتی) و رفتارهای سیاسی غیرانتخاباتی (تماس با مسئولین، اعتراض و عضویت در گروه‌های سیاسی)، نشان می‌دهد.

راتناواتی (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای با عنوان «جنبش‌های زنان و فضای دموکراتیک در یوگیاکارتا»، در مورد استراتژی‌ها و تاکتیک‌های جنبش زنان در تصرف فضای دموکراتیک در یوگیاکارتا (اندونزی) بحث می‌کند. در این تحقیق، وی دو سازمان مربوط به زنان را با هدف درک پویایی درونی، پویایی بیرونی و استراتژی مبارزه جنبش اجتماعی، مورد مطالعه قرار می‌دهد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که آن دسته از جنبش‌های زنان که دارای ساختار سازمانی حرفه‌ای هستند، بیشتر به استفاده از روش‌های میانه‌رو با توانمندسازی گروه‌های آسیب‌دیده تمایل دارد، در حالی که آن دسته از جنبش‌های زنان که دارای ساختار سازمانی مشارکتی هستند، بیشتر به استفاده از روش رادیکال با بسیج توده‌ها برای دفاع از فضای دموکراتیک متمایل‌اند. به‌علاوه، جنبش‌های حرفه‌ای زنان نسبت به نوع مشارکتی آن، تمایل دارند از استراتژی‌های جامع‌تری برای تصرف فضاهای دموکراتیک استفاده کنند. به‌این ترتیب، جنبش‌های زنان در مبارزات دموکراتیک خود، باید شبکه‌های دموکراسی‌خواهی خود را تقویت کنند، زیرا این شبکه‌ها تغییرات را در مقیاس وسیع‌تری گسترش می‌دهند.

هورویتز و تیلور (۲۰۱۲)، در تحقیقی با عنوان «فرهنگ‌ها و جنبش‌های اجتماعی زنان در زمینه‌های جهانی»، به بررسی نقشی که فرهنگ‌ها و جوامع زنان در اعتراض سیاسی و تغییرات اجتماعی ایفا کرده‌اند پرداخته‌اند. آن‌ها استدلال کرده‌اند که فرهنگ زنان که حول نقش‌های تولیدمثل، زایمان و انتظارات عاطفی از زنان شکل می‌گیرد، برای بیان زنانگی و به‌عنوان منابع فرهنگی یا «جعبه ابزار» برای تحول بخش‌های مردسالار جامعه استفاده شده‌اند. آن‌ها فرهنگ‌ها و هویت‌های جمعی زنان را در انجمن‌های مختلف بررسی کرده‌اند. پیش‌فرض اصلی آن‌ها این است که جوامع زنان و فرهنگ‌های مخالف غنی‌ای که آن‌ها حفظ و تداوم بخشیده‌اند، اغلب عناصر سازنده جنبش‌های زنان بوده که تأثیر شگرفی بر روند تغییر، از جمله دموکراتیزه کردن، نوسازی، نئولیبرالیسم و جهانی‌سازی داشته است. از آن‌جا که نابرابری جنسیتی یکی از محدود فرهنگ‌های جهانی است، جای تعجب نیست که زنان تمایل به تشکیل جوامع انحصاری دارند که باعث به‌وجود آمدن هویت جمعی فمینیستی به‌عنوان شکلی از اعتراض یا براندازی هم‌مونی فرهنگی مردان حتی در سرکوبگرترین رژیم‌ها می‌شود.

مقاله حاضر قشری از زنان را به‌عنوان نمونه مطالعه انتخاب کرده که از نظر سن، تحصیلات و فرهنگ دانشگاهی مشابه‌اند و با نمونه مورد مطالعه تحقیقات پیشین که اکثراً سازمان‌های حرفه‌ای زنانند، متفاوت است. علاوه بر این، پژوهش‌های پیشین به ویژگی‌های کلی اخذ استراتژی‌ها و تاکتیک‌های کنش اعتراضی اشاره کرده‌اند در حالی که این مقاله به دسته‌بندی استراتژی‌ها و تاکتیک‌ها در سطح عمل و کنش توجه دارد.

چارچوب مفهومی

مطالعه نظری استراتژی‌ها و تاکتیک‌های اعتراضی را باید در بستر نظریات جنبش‌های اجتماعی جست. در نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی، رویکرد مسلط در مطالعه تاکتیک‌های جنبش اجتماعی، رویکرد کلان بوده است. نظریه‌های ساختاری و ساختاری - تاریخی (مثل بسیج منابع، فرایند سیاسی، مارکسیسم و نظریه‌های چارلز تیلی) و نظریه‌های فرهنگی - تاریخی (مثل نظریه آلن تورن) ذیل این رویکرد قرار می‌گیرند. یک مشکل در نظریه‌های ساختاری این است که آن‌ها روی یک نوع محدودیت خاص، یعنی موارد تحمیل‌شده توسط منابع و میدان‌ها، تمرکز دارند و از محدودیت‌های اعمال‌شده توسط کنش‌گران دیگر چشم‌پوشی می‌کنند؛ کنش‌گرانی که استراتژی‌های خود را دنبال می‌کنند، تصمیمات خود را می‌گیرند و اغلب تلاش می‌کنند مانع

ابتکار عمل معترضان شوند. «این‌گونه نظریه‌ها، برای افراد، انگیزه کمی قائل هستند و به‌جای شروع کار با شرکت‌کنندگان واقعی و دیدگاه‌های آن‌ها (دیدگاه خُرد/اجتماعی)، جنبش‌های اجتماعی را با قراردادنشان در زمینه‌های بزرگ تاریخی و ساختاری (دیدگاه کلان/اجتماعی) درک می‌کنند» (جاسپر، ۲۰۱۴: ۳۶). نظریه‌های بسیج منابع و فرصت‌های سیاسی بر روی ابزار تمرکز دارند، اما انگیزه‌های اعتراض را نادیده می‌گیرند. در ابتدا، آن‌ها نظریه‌های روان‌شناختی ساده را رد می‌کردند، اما با ظهور نظریه‌های جدید فرهنگی، توانسته‌اند برخی از پویایی‌های فرهنگی را در خود جای دهند. در طرف مقابل دیدگاه‌هایی قرار دارند که نقطه شروع تحلیل جنبش‌ها را درک انگیزه‌ها و کنش افراد قرار می‌دهند. نظریه‌های روان‌شناختی (مثل نظریه جمعیت، نظریه اعتراض، نظریه فروید، نظریه انتخاب عقلانی) و نظریه‌های فرهنگی (مثل نظریه‌های چارچوب‌سازی، روایت و احساسات و نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی) در رده نظریه‌های خُرد و کنش‌گرمحور قرار می‌گیرند. سطح تحلیل مطالعه حاضر کلان نیست و از منظر خرد درصد مطالعه یک بعد از تعاملات کنشگران در جریان ناآرامی‌ها به‌ویژه در عرصه دانشگاه است. لذا استراتژی و تاکتیک دو مفهوم بنیادی مقاله حاضرند.

استراتژی‌ها یا راهبردها استراتژی‌ها بیان‌گر تفکر بلندمدت هستند که کنش را به اهداف کلی پیوند می‌دهد، درحالی‌که تاکتیک‌ها روش خاصی هستند که برای پیشبرد آن‌ها انتخاب می‌شوند (دورتی و هیس، ۲۰۱۹: ۲۸۰). جنبش‌های اجتماعی راهبرد را درباره تصویر کامل نزاع، اهداف درازمدت مانند تصویب قوانین با تجدیدنظر در قوانین فعلی سازمان‌دهی می‌کنند (جانستون، ۱۳۹۹: ۱۴۸). در واقع، استراتژی‌ها نوع تفکری است که چگونگی تحقق اهداف را معین می‌کند. وقتی نهاد و فرهنگ برای توضیح استراتژی‌های جنبش استفاده می‌شود، جای کمی برای عاملیت باقی می‌ماند (گودوین و جاسپر، ۱۹۹۹). در یک رویکرد کنش‌گرمحور، انتخاب تاکتیک‌ها و مهم‌تر از همه نحوه حرکت و تعقیب آن‌ها، نقش‌هایی که آن‌ها در توسعه و بیان هویت جمعی در سطح گروه بازی می‌کنند، با مراجعه به ایده‌ها، فرهنگ‌ها و سنت‌های آن‌ها تعیین می‌شود (دورتی و هیس، ۲۰۱۲؛ ۲۰۱۴). جاسپر (۲۰۰۴) می‌گوید عاملیت در هر معنایی، شامل انتخاب‌هایی است. بدون شک، انواع مختلف گروه‌ها و جنبش‌ها با الگوهای مختلف انتخابی به دوراهی‌ها پاسخ می‌دهند. می‌توان گفت که اتخاذ استراتژی‌ها و راهبردهای مختلف، نتایج متفاوتی را دربردارد و بررسی و کشف این استراتژی‌ها، به شناخت یک جنبش یا اعتراض منحصربه‌فرد منجر خواهد شد.

تاکتیک‌ها تاکتیک‌ها اشاره به کنش‌های عینی و کوتاه‌مدتی دارند که زیرمجموعه برنامه راهبردی قرار می‌گیرند. این اصطلاح اشاره به آن دارد که چگونه فعالان به این موضوع می‌پردازند که کدام فعالیت اعتراضی، با مطالبات جنبش بیشترین هم‌خوانی را دارد و سیاست‌گذاران بهتر به آن پاسخ می‌دهند (جانستون، ۱۳۹۹: ۱۵۱). تاکتیک‌هایی که جواب می‌دهند، از سوی فعالان مورد توجه قرار می‌گیرند و بارها و بارها استفاده می‌شوند و تاکتیک‌های ناموفق دیگر تکرار نخواهند شد (جانستون، ۱۳۹۹: ۱۵۱-۱۵۲).

رویکرد مسلط در مطالعه تاکتیک‌های جنبش اجتماعی، همچنان «سنت‌های اعتراضی ستیزه‌آمیز^۱» تیلی است. این مفهوم دربرگیرنده افق کاملی از کنش‌ها و تاکتیک‌های موجود امروز است. فرم‌های تاکتیکی مجموعه‌هایی محدود، اشباع‌شده از فرهنگ و نسبتاً پایدار از روش‌های بالقوه عملکرد هستند. حوزه‌های کنش «مجموعه نمایش‌هایی است که برای هر کنش‌گر مشخص در یک رژیم در دسترس است» (تیلی، ۲۰۰۳: ۴۵؛ به‌نقل از: دورتی و هیس، ۲۰۱۹: ۲۷۲). در سطح خرد، به زبان تارو، حوزه کنشی آن چیزی است که معترضان می‌دانند چگونه باید انجام دهند و همچنین آن چیزی است که دیگران نیز از آن‌ها انتظار انجامش را دارند (جانستون، ۱۳۹۹: ۱۴۱-۱۴۲).

روش پژوهش

فعالیت‌های اعتراضی زنان در تمام سطوح آن در کشور ما موضوعی بحث‌انگیز به حساب می‌آید و مطالعه و شناسایی آن مستلزم به‌کارگیری روش‌های مبتنی بر فهم پیچیده معنا است. لذا، با توجه به این‌که در این پژوهش هدف در درجه اول توصیف استراتژی‌ها و رفتارهای اعتراضی دختران و در مرحله بعد دسته‌بندی الگوها و ارائه و گزارش نظام‌مند تجربیات اعتراضی آن‌ها است، روش تحلیل مضمون انتخاب گردید.

جامعه مشارکت‌کنندگان در این تحقیق، کلیه دانشجویان دختر دانشگاه علامه طباطبایی بودند که تجربه زیسته از فعالیت‌های سیاسی در محیط دانشگاه داشتند. برای انتخاب دانشجویان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و با به‌کارگیری تکنیک مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته، جمع‌آوری اطلاعات از نمونه‌ای از دانشجویانی که بیشترین فعالیت سیاسی را تا زمان انجام مصاحبه داشتند شروع شد (دوره زمانی انجام مصاحبه‌ها سال ۱۳۹۹ است). ابتدا چهار مصاحبه

¹ Repertoires of Contention

اول به‌طور دقیق کدگذاری و مضامین اولیه از داده‌ها استخراج گردید. پس از آن و با توجه به کدگذاری‌های مقدماتی، مصاحبه‌های تکمیلی انجام شد که با توجه به مورد مطالعه که فقط شامل فضای سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی بود و همچنین یکسان بودن اتفاقات سیاسی دوره مورد نظر، پوشش روایات اظهارشده توسط مصاحبه‌شوندگان برای فهم و تفسیر ما کامل شده و اشباع نظری با نمونه نهایی به حجم ۹ نفر حاصل گردید. مضامین یا پنهان یا کاملاً در متن اظهارات مشارکت‌کنندگان آشکار بودند و با توجه به هدف تحقیق استخراج شدند. در طول کار کدگذاری و استخراج مضامین، به دنبال مضامینی بودیم که در بین دختران مشارکت‌کننده، دارای ویژگی‌های تکرارشوندگی و تمایز باشند و سپس به دسته‌بندی و طبقه‌بندی آن‌ها پرداختیم، به‌گونه‌ای که بیشترین حد الگوهای معنایی در باب پدیده مورد بررسی نمایان شود (جدول ۱ قسمتی از فرآیند کدگذاری را نشان می‌دهد). در پایان فرآیند تحلیل مضمون، مضامین نهایی استخراج شدند که در بخش یافته‌ها قابل مشاهده و بررسی هستند.

جدول شماره ۱. قسمتی از فرآیند کدگذاری

واحد‌های معنایی	مفهوم	مضمون سطح دو	مضمون سطح سه
من اینجا شورای صنفی بودم، انجمن آزاداندیشی دبیرش خانم بود، انجمن علمی دبیرش خانم بود، شورای صنفی من خردم دبیر بودم و این تعداد زیادتر انگار شجاعت بیشتری به دخترا می‌دهد، وقتی یکی از بچه‌ها جلسه کمیته‌ای داشت همه بچه‌ها با هم می‌رفتیم، ما داخل جلسه هم نمی‌نویسیم بریما ولی بیرون از اتاق جلسه همه حضور داشتن و خیلی کمک می‌کرد. اگر جمعی می‌خواه کنشی رو شکل بده باید اون جمعه راجع بهش حرف بزنی.	شجاعت به دلیل تعداد بیشتر	اصل جدا نشو	تاکتیک تعداد
واقعاً نظر جمعی بود سر اینکه کدوم هزینه فایده، الان مثلاً که تجمع باشه هزینه‌اش چقدره؟ چقدر دیده میشه؟ چقدر فایده داره یا اینکه تحمن بهتره یا اینکه اصلاً منی بنویسیم پخش شه؟	استفاده از حضور نقرات برای حمایت	ایجاد بلوک دفاعی گروهی	تاکتیک تعداد
یعنی همه دور هم جمع می‌شدیم به یک توافق یا ایده می‌رسیدیم، توافق جمعی.	انتقاد به تفکر جمعی	رهبری غیرمتمرکز	رهبری غیرمتمرکز
کاری که می‌کردیم این بود که برنامه می‌داشتیم، مثلاً به کسی رو که مسلط بود به حقوق دانشجویی اونا رو دعوت می‌کردیم، در مورد این قضیه حرف می‌زد. که بعد بچه‌ها آگاهی شون خیلی زیادتر می‌شد.	تصمیم‌گیری جمعی برای تعیین شیوه اعتراض	رهبری غیرمتمرکز	رهبری غیرمتمرکز
فضای مجازی جایی که مکمل فعالیت توی میدان باشه خیلی موثره، یعنی تو بری تو میدان فعالیت انجام بدی و از فضای مجازی کمک بگیری واسه اینکه دیده بشه اون اکثراً که انجام دادی بعد با کلی تلاش و این‌ها تصمیم گرفتیم که بریم برای شورای صنفی کار کنیم، رفتیم کلی خیلی چالشی بود تا بالاخره به ما اجازه دادن انتخابات شورای صنفی داشته باشیم.	توافق جمعی بر سر مسائل	رهبری غیرمتمرکز	رهبری غیرمتمرکز
استفاده از فضای مجازی به عنوان مکمل میدان اعتراض	دعوت از افراد آگاه برای سخنرانی	آگاه‌سازی دانشجویان	کنش غیر خشونت‌آمیز
بعد با کلی تلاش و این‌ها تصمیم گرفتیم که بریم برای شورای صنفی کار کنیم، رفتیم کلی خیلی چالشی بود تا بالاخره به ما اجازه دادن انتخابات شورای صنفی داشته باشیم.	استمرار در تلاش برای به دست آوردن حق فعالیت	تداوم و استمرار	کنش‌های غیر خشونت‌آمیز

مسئله اعتبار در این پژوهش با توجه به انواع اعتباریابی هابرمز و مایلز (۲۰۰۲) بررسی شد. بر این اساس، نهایت دقت و امانت‌داری را در انعکاس صحیح و کامل داده‌های به‌دست‌آمده از میدان شامل مشاهده، مصاحبه، اسناد و مانند آن در جهت ایجاد اعتبار توصیفی به‌عنوان

اولین بعد به کار گرفتیم. سپس تلاش کردیم تا با سازه‌ها و مفهوم‌سازی‌ها، انعکاس مناسبی از اندیشه، عواطف و ارزیابی‌های راویان ارائه داده و به اعتبار تفسیری برسیم. سپس با اختیار کردن سازه‌ها و مقولات نظری تحلیلی مناسب برای استنباط آن چیزی که در میدان می‌گذرد و راویان به آن توجه دارند، به بعد اعتبار نظری دست یافتیم. برای افزایش پایایی نیز راه‌هایی مانند کنترل متن پیاده شده، کنترل دائم کدها و افزودن یادداشت‌ها به آن‌ها و استفاده از بیش از یک نفر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به کار برده شد.

یافته‌ها

پس از جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس خود نمونه‌ها و نیز مقایسه نمونه‌ها انجام شد و مفاهیم اولیه استخراج گردید. سپس، مضامین بر مبنای ارتباط مفهومی آن‌ها با یکدیگر مشخص و سازمان‌دهی شدند و در نهایت روابط سلسله‌مراتبی مضامین نمایان شد. جدول ۲ به معرفی مفاهیم و دسته‌بندی‌های تاکتیک‌های اعتراضی دختران دانشجو می‌پردازد که بسته به استفاده در منازعات مختلف تفاوت دارند. تاکتیک‌ها، همچنین بر اساس نوع، به دو دسته کنش‌های مقابله‌ای و کنش‌های سازنده دسته‌بندی می‌شوند.

جدول شماره ۲. دسته‌بندی مضامین

کنش مقابله‌ای (اجباری)	کنش سازنده (اقتناعی)	نوع کنش ماهیت تاکتیکی
کنش‌های ارتباطی برای انتقاد یا اجبار	ارائه جایگزین‌ها (سمینارها، گردهمایی‌ها، حلقه‌های کتاب‌خوانی و ...)	گفتاری (بیانی)
مقاومت در برابر سلطه ساختاری و نهادی، نافرمانی مدنی	فعالیت‌های خلاقانه قانونی (بنیان‌گذاری نهادمند حوزه کنش اعتراضی، اصلاح روندهای آموزشی دانشگاه، ایجاد یک خُرده‌فرهنگ)	مقاومتی

مفاهیم و مضامین جدول فوق نشان‌دهنده تاکتیک‌های اعتراضی دختران دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی است که مبتنی بر تفاسیر و اظهارات آن‌ها از نحوه کنششان در شرایط مختلف استخراج شده‌اند. بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده، این مضامین دربرگیرنده نظریات و ایده‌های مشارکت‌کنندگان از به‌کارگیری تاکتیک‌های مختلفی است که در اعتراض به مسائل گوناگونی که

به‌ویژه در حوزه کنشی زنان در دانشگاه و جامعه وجود دارد، انجام شده است که در ادامه به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

کنش‌های مقابله‌ای و سازنده

به گفته تئودور ابرت (۱۹۷۰)، کنش‌های مقابله‌ای برای پیشگیری یا معکوس کردن اقدامات حریف است. کنش‌های سازنده ماهیتی اقتناعی یا ابتکاری دارند و هدف آن‌ها ایجاد نظم‌ی عادلانه در جامعه است.

کنش‌های مقابله‌ای شامل موارد زیرند:

- اعتراضات (بروشور، راهپیمایی، تجمع، پخش جزوه و ...)
- عدم همکاری قانونی (بایکوت و اعتصاب به‌صورت کاهش سرعت کار)
- نافرمانی مدنی (نپرداختن مالیات و اعتصاب عمومی)

کنش‌های سازنده شامل موارد زیرند:

- ارائه جایگزین‌ها (سمینارها، گردهمایی‌ها و ...)
- فعالیت‌های خلاقانه قانونی (بنیان‌گذاری نهادهای آموزشی، روزنامه و بنیادهای کمک متقابل)
- غضب (تهاجمات، تصرفات و نهادهای خودگردان) (بیر، ۲۰۲۱: ۳۱).

تاکتیک‌های گفتاری (بیانی)

این دسته گسترده شامل بیانات گفتاری، زبانی، رفتاری و تصویری و درخواست‌های مثبت و انتقادهای منفی است. این دسته از تاکتیک‌ها برای اقداماتی تعیین می‌شود که هدف آن‌ها در درجه نخست و معمولاً ارتباطی است. از تاکتیک‌های بیانی می‌توان برای مقابله و تهدید (اعتراض) و نیز اظهارات یا پیشنهادات سازنده (دادخواست) استفاده کرد. دسته‌بندی آن‌ها به دو بخش منفی یا مثبت کاملاً خودسرانه و زمینه‌ای است (بیر، ۲۰۲۱: ۴۵).

تاکتیک‌های گفتاری مقابله‌ای

مشارکت‌کنندگان در تحقیق، به‌طور گسترده‌ای، از تاکتیک‌های گفتاری مقابله‌ای برای بیان اعتراضاتشان استفاده کرده‌اند. با توجه به گستردگی این قسم از تاکتیک‌ها، آن‌ها را در این

مطالعه، بر اساس نوع کاربرد، به دو دسته تاکتیک‌های گفتاری مستقیم و تاکتیک‌های گفتاری غیرمستقیم تقسیم کرده‌ایم.

تاکتیک‌های مستقیم گفتاری شامل آن دسته از تاکتیک‌هایی است که افراد به کار می‌گیرند تا به‌طور مستقیم، رودررو و بی‌واسطه، اعتراضشان را در مورد موضوعی خاص بیان کنند. همه تاکتیک‌های مقاومت مدنی نوعی ارتباط در یک محیط اجتماعی هستند. کنش‌های گفتاری مستقیم اغلب به‌گونه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند تا با نشان دادن این‌که کنترل حریف در واقع کامل صورت نگرفته و مردم عادی هم اراده و هم فضا برای طغیان دارند، مسبب انگیزه‌ای برای طغیان گردد. کنش‌های گفتاری مستقیم شامل برقراری ارتباط از طریق اقدام مستقیم بوده و شامل اعتراض از طریق شیوه‌های ارتباطات مانند حرکت‌های دسته‌جمعی، گردهمایی‌های عمومی، فریاد زدن، سرود خواندن، تجمع، راهپیمایی و تحصن است. متداول‌ترین نوع اعتراضات گفتاری مستقیم مورد اشاره شرکت‌کنندگان در تحقیق، برگزاری تجمعات همراه با شعار دادن، سرودخوانی و بیانیه خواندن است که به عقیده اسما، اغلب همگام با اعتراضات مردمی در داخل دانشگاه برگزار می‌شود.

در حیطه سیاسی، چیزهای زیادی مثلاً از آبان ۹۸، دی ۹۶، دی ۹۸ و روز دانشجوی ۱۶ آذر، در واقع تمام این تاریخ‌هایی که بیرون از دانشگاه یکسری اعتراض‌ها شکل می‌گرفت، درون دانشگاه هم این اعتراض‌ها وجود داشت و جدا از جامعه نبود.

وی که از بدو ورودش به دانشگاه درگیر فعالیت‌های دانشجویی شده است، از کنش‌های ارتباطی برای اجبار مسئولان به تمکین در برابر خواسته‌های آن‌ها می‌گوید. یکی از این کنش‌ها تحصن است:

۱۶ آذر معمولاً در قالب تجمعه اما گاهی اوقات پیش می‌اد تو یه مطالبه‌ای داری و می‌خوای اون حتما همین الان به انجام برسه، اون موقع تحصن مثلاً یکی از روش‌هاییه که جواب میده. تحصن مال زمانیه که مثال می‌گم، کیفیت غذای سلف بده یا تو نسبت به رفتار یکی از مسئولین دانشگاه، اعتراض داری. مطالبه‌ت اینه میگی خب الان من تحصن می‌کنم تا زمانی که این انجام بشه.

بااین‌حال، بیشتر افراد نمونه معتقد بودند که فرایند اعتراض، معمولاً یک فرایند مرحله‌ای است و بسته به موضوع اعتراض، می‌تواند شامل همه کنش‌های گفتاری، از مذاکره تا تجمع و شعار دادن باشد. بیتا این فرایند مرحله‌ای را در مورد تجمع امیرکبیر چنین توصیف می‌کند:

مراحلش اول این بود که یک فراخوان جمعی گذاشته شد که جلوی امیرکبیر ساعت ۵ جمعه. همه اومدن اونجا تجمع کردن. اولش هیچ شعاری نبود و کاملاً سکوت بود. بعد از یه مدت شعارها شروع شد، سرود خونده شد، بعدش گاز اشک‌آور زدن و جمعیت پراکنده شد. وی مراحل اعتراض برای مطالبات دانشگاهی را اندکی متفاوت از روند اعتراضات سیاسی خارج از دانشگاه می‌داند و تفاوت آن‌ها را مربوط به مرحله مذاکره و گفت‌وگو ارزیابی می‌کند: وقتی که مسائل دانشجویی بود، داخل دانشگاه می‌شد حلس کرد. اول از راه گفت‌وگو پیش می‌بردیم و بعداً مسائل دیگه‌ش رو می‌رفتیم. مثلاً تهدید به تجمع می‌کردیم، بعد تجمع می‌کردیم، وارد دعوا می‌شدیم، این مراحل رو داشت. ولی از یه طرف دیگه، وقتی مسائل حادثه‌تر جامعه همیشه، یه کم سیاسی بالاتر میشه، دیگه تو این گفت‌وگوها رو نداری، یعنی از اولش می‌آییم تجمع می‌کنیم که بعدش اون تجمع رسانه‌ای بشه.

تاکتیک‌های غیرمستقیم گفتاری تاکتیک‌هایی هستند که در آن‌ها، از ابزار دیجیتال و یا نمادین (مثل نقاشی، معماری، گرافیک، تصویر، ادبیات و ...) برای بیان اعتراض استفاده می‌شود. در این نوع از تاکتیک‌ها، دستیابی به هدف نه بر اساس مقابله رودررو و آشکار، بلکه بر اساس استفاده از ابزاری واسطه‌ای صورت می‌گیرد. انقلاب دیجیتال با رشد فناوری اطلاعات، بیان و ارتباط را از رهگذر صفحه‌های دیجیتال، دوربین‌ها، بلندگوهای الکترونیک و مهم‌تر از همه شبکه اینترنت تقویت می‌کند. باین‌حال، این فناوری‌ها، به‌صورت دوگانه، هم به دولت‌ها و هم به کنش‌گران اجتماعی یاری رسانده است. دولت‌ها بعضاً از این ابزارها برای تمرکز قدرت استفاده می‌کنند، ولی کنش‌گران اجتماعی نیز از این ابزارها برای پراکندن قدرت و نشر جنبش به‌طور وسیعی استفاده می‌کنند تا جایی که گاه دولت‌ها وادار به ایجاد محدودیت‌هایی بر شبکه جهانی اینترنت می‌شوند. فعالان دانشجویی معمولاً به دو صورت از گستردگی و نفوذ شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند: پرفورمنس رسانه‌ای و بسیج دیجیتال.

پریسا فضای مجازی را مکمل میدان اعتراض می‌داند و معتقد است که:

فضای مجازی جایی که مکمل فعالیت توی میدان باشه خیلی مؤثره، یعنی جایی که تو بری تو میدان و از فضای مجازی کمک بگیری برای دیده‌شدن، یه جورى کانالی باشه واسه بیشتر دیده‌شدن، یعنی تو بری تو میدان فعالیت انجام بدی و از فضای مجازی کمک بگیری واسه این‌که دیده بشه اون اکتی که انجام دادی.

به‌علاوه، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به ایجاد هویت جمعی و یکپارچگی در میان مردمی که هیچ تماس شخصی با هم ندارند، ولی نارضایتی‌ها و مطالبات مشترک دارند، کمک کند (جانستون، ۱۳۹۹: ۲۰۳). بیتا معتقد است که فضای مجازی «به نقشی توی رساندن صدای فرودستان یا کسانی که بهشون ظلم شده ایفا می‌کنه». فائزه از این فضا برای افشاگری در مورد آزار جنسی در دانشگاه استفاده کرده است که نهایتاً تبدیل به پویشی شده تا تعداد زیادی از دختران بتوانند در مورد تجربه‌هایشان چیزی بنویسند:

دانشگاه‌های دیگه هم بودن، چون خیلی پخش شد ولی بیشتر بچه‌های خودمون بودن؛ ۵۰۰ نفر بودن فکر می‌کنم، ۵۰۰ نفر یعنی شرکت کردن که نزدیک سیصدوخرده‌ای دانشگاه خودمون بودن. نتیجه‌ش این شد که به‌رحال دانشگاه نسبت به این قضیه آگاه شد و یه لیستی از اساتید دراومد تقریباً من فکر می‌کنم که ۹۰ درصد اون لیست باعث شد که یک تذکری داده بشه. بالاین حال، پریسا معتقد است که فضای مجازی آسیب‌هایی را نیز به فعالیت‌های اعتراضی وارد کرده است:

الآن فضای مجازی شده میدان، به‌جای این‌که کف خیابون باشی واسه فعالیت کردن، میدان رو آوردی توی فضای مجازی. چرا؟ چون هزینه‌ش کمتره و بعد خطرناکه از این بابت که ارضای روحی میشی از لحاظ فعالیت. تو میای چهار تا هشتگ می‌زنی برای اعتراض و فکر می‌کنی که داری اکت نشون میدی، ولی این در حقیقت کاهش خشمته، ارضای روحیته. یکی دیگه از راه‌های اعتراض به این شیوه، استفاده از ادبیات است که لعیاً در قالب طنز از آن استفاده کرده است:

من طنز می‌نوشتم یه مدت توی روزنامه بی‌قانون. بعد فکر می‌کنم که با اون خیلی اعتراض می‌کردم، یعنی این‌که کاملاً طنز برام یک ابزار اعتراضی بود. همیشه نقد می‌کردم و این مدل نقد کردن رو خیلی دوست دارم، این‌که با طنز همراه باشه.

تاکتیک‌های گفتاری سازنده

بخش دوم تاکتیک‌های گفتاری به تاکتیک‌های گفتاری سازنده اختصاص دارد. همان‌طور که گفتیم، بخشی از این تاکتیک‌ها شامل ارائه جایگزین‌ها (سمینارها، گردهمایی‌ها و ...) است که مشارکت‌کنندگان این پژوهش نیز گهگاه از آن‌ها استفاده می‌کنند. بسیاری از این تاکتیک‌ها فرهنگی بوده و جنبه آموزشی دارند و برخی نیز کاربرد هنری و بیان‌گری دارند. به‌عنوان مثال،

بسیاری از مشارکت‌کنندگان به برگزاری حلقه‌های مطالعاتی اشاره کردند که نوعی آموزش سازنده را برای اهداف اعتراضی دربردارد. پریسا معتقد است از آن‌جا که این حلقه‌ها فارغ از نظام طبقاتی استاد - شاگردی و یا فرادستی - فرودستی است، تأثیر زیادی در تجربه یادگیری دارد. وی در مورد نوع کتاب‌هایی که می‌خوانند چنین می‌گوید:

معمولاً سعی همیشه که کتاب‌های پایه [خوانده بشه]، نه حالا همیشه، ولی در بیشتر موارد. مثلاً خب یکی از کتاب‌های پایه واسه رشته جامعه‌شناسی، کاپیتال مارکسه و سعی می‌کنیم که متن خوانی کنیم کتاب‌های پایه مثل کاپیتال مارکس رو. بری از دورکیم بخونی، بری از وبر از خود متن وبر بخونی، بری از کانت بخونی، بری از هگل بخونی، چون خوندن کانت و هگل تنهایی سخته، یه جمعی باشه که این رو متن خوانی بکنه، خیلی خیلی کمک می‌کنه به فهم بهترش. اما در کنار این‌ها، بسته به شرایطی که کشور داره، کتاب‌های دیگه هم هست. مثلاً یک کتاب هست قدرت بی‌قدرتان از هاول، مثلاً اون کتاب زمانی نوشته شده تو یه بن‌بست بوده فعالیت توی کشور چک اون زمان، یعنی بین دو تا انقلاب بوده، بعد از جنبش دانشجویی ۶۸ و قبل از انقلاب شوروی. تو یه زمانی که یه بن‌بست عجیب‌وغریبی بوده که احساس می‌کردی خب الان هیچ کاری دیگه نمیشه کرد، دقیقاً مثل زمان ما، یعنی ما فکر می‌کنیم که هیچ‌جوری نمیشه جنبشی رو راه انداخت. اون خیلی کمک می‌کنه واسه ایده دادن.

عده‌ای نیز به برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای آگاهی‌بخشی به دانشجویان، به‌ویژه دانشجویان دختر، اشاره کرده‌اند. فائزه چند مورد را بیان کرده است:

کارگاه‌های شروط ضمن عقد زیاد داشتیم. کارگاه‌های این مدلی مثلاً تایمی که دختر آبی خیلی مسئله شد، کارگاه داشتیم در مورد اولویت‌بندی مسائل زنان. سر این‌ها که مثلاً یک کسی برگرده بگه استاد یوم رفتن زنان مسئله نیست، این چقدر مسئله است و چقدر مسئله نیست. بعد یادم نمیداد نرگس کی سخنرانمون بود، ولی اون هم خیلی نشست خوبی بود. تو این حوزه‌ها زیاد داشتیم.

یکی دیگر از تاکتیک‌های گفتاری سازنده که اسما به آن اشاره کرد، برگزاری گردهمایی‌های مختلف برای بحث و تبادل نظر دانشجویان و اساتید است. وی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دوران فعالیتش را ایجاد سمپوزیوم علوم اجتماعی می‌داند که متولی برگزاری چنین گردهمایی‌هایی است:

یکی از بدنه‌های خیلی قوی و خوبی که توی علوم اجتماعی به وجود آمد، روی انجمن‌های علمی همین علوم اجتماعی بود که دوره‌الآن فکر می‌کنم چهارم‌ش باشه که یک گردهمایی دانشجوییه. بچه‌ها سمپوزیوم مطلب می‌فرستن و بعد یه تاریخی تعیین می‌شه و بچه‌ها می‌شینن راجع به مطلبشون حرف می‌زنن و اونجا هم اساتید حضور دارن و هم دانشجویان از سراسر کشور متنشون رو ارائه می‌کنن و بعد راجع به متن انتقاد میشه و بحث گردهمایی شکل می‌گیره و این به نظرم یکی از اتفاق‌های خیلی خوب در اتحادیه انجمن‌های علمی و انجمن‌های علمی علوم اجتماعی افتاد.

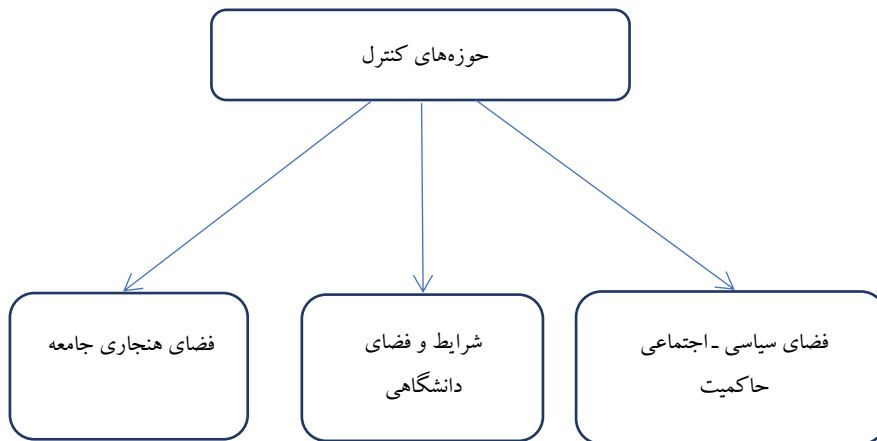
طول عمر یک تاکتیک به هدف آن بستگی دارد و از این رو، وابسته به زمینه است. انجام یک تاکتیک، مانند راهپیمایی یا تجمع، نیازمند زمان، منابع و قدرت بسیج عمومی است و گاه خطراتی به همراه دارد. معمولاً بسیاری از روش‌های گفتاری کوتاه‌مدت هستند و برخی دیگر از چند دقیقه تا چند ساعت را دربرمی‌گیرند. همچنین، تاکتیک‌های ذکرشده در بخش اول، معمولاً عمومیت بیشتری دارند و مورد استفاده اقشار مختلف معترضان، علاوه بر زنان، قرار می‌گیرند. در قسمت بعد، در مورد تاکتیک‌هایی صحبت می‌شود که معمولاً طول مدت بیشتری دارند و گاه به‌طور روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرند. این تاکتیک‌ها با توجه به فضای سیاسی و اجتماعی موجود در کشور، بیشتر توسط زنان و دختران برای بیان اعتراضاتشان به‌کاربرده می‌شود که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرند.

تاکتیک‌های مقاومتی

وینتاگن و یوهانسون (۲۰۱۳) با استفاده از آثار نظریه‌پردازانی مانند میشل فوکو و جیمز سی اسکات، گونه‌ای از مقاومت مدنی تحت بررسی را مستند کرده‌اند که نامش را «مقاومت همه‌روزه» گذاشته‌اند. آن‌ها مقاومت همه‌روزه را «آرام، پراکنده، پنهانی یا گویا غیرقابل مشاهده» توصیف می‌کنند. آن‌ها مقاومت همه‌روزه را که می‌تواند نگرش‌ها، عادات، رفتارهای گفتاری و کنش‌ها را دربرگیرد، یک مجموعه مهم و کمتر ارزشمند پنداشته شده مقاومت‌های مدنی می‌دانند. فوکو می‌گوید: «هر جا قدرت وجود دارد، مقاومت نیز وجود دارد» و بنابراین، بسیاری از اعمال و رفتارهای روزمره مقاومت در برابر ساختارهای قدرت انجام می‌شود. آن‌ها ظریف و اغلب ناخواسته یا ناموفق هستند و پای آن‌ها در زندگی عادی اجتماعی باز است.

تاکتیک‌های مقاومتی مقابله‌ای

مشارکت‌کنندگان در این تحقیق، نوعی فضای کنترل را ترسیم کرده‌اند که فعالیت‌های اعتراضی آن‌ها به‌طور مداوم در مقابله با این فضا صورت می‌گیرد. این فضا در نمودار زیر ترسیم شده است:



نمودار ۱. حوزه‌های کنترل

دختران حاضر در تحقیق، در مورد تاکتیک‌های مقاومتی روزمره‌ای که در برابر این حوزه‌های کنترل اتخاذ می‌کنند، صحبت کرده‌اند؛ بنابراین، ابتدا به‌اختصار به دیدگاه کنش‌گران این تحقیق در مورد هر یک از این حوزه‌ها می‌پردازیم و سپس تاکتیک‌ها را معرفی می‌کنیم. جامعه، به‌عنوان اولین فضایی که دختران در آن سرکوب را تجربه کرده‌اند، دارای مختصاتی است که برخی به آن اشاره کرده‌اند. «ایجاد محدودیت‌های جنسیتی» اولین مضمونی است که بسیاری از افراد در مورد آن صحبت کردند. پریسا که علاقه زیادی به کوهنوردی دارد، می‌گوید در شهرستان آن‌ها، این فعالیت برای دختران مذموم شمرده می‌شود و بسیار از جانب فامیل در این‌باره مورد تخطئه قرار گرفته است:

مثلاً به ترم یا به هنجاری تو فامیل هست که تو رو تحت فشار می‌ذارن. مثلاً برای خودم بخوام بگم، چرا کوه میری؟ اگه کوه میری، لااقل به روز برو و بیا. چرا برنامه‌های سنگین رو میری؟ چرا برنامه دو سه روزه میری؟ چی میگن بعد دربارت سراین؟ خب، نه تنها من، خب خانواده‌م رو تحت فشار می‌گذاشتن که شما چرا اجازه میدید؟ چطور به دختر اجازه میدین این

کار رو بکنه؟ چرا اصلاً همچین اجازه‌ای بهش میدید؟ تو مگه باباش نیستی؟ تو غیرت نداری؟
چقدر این کلمه‌ها رو من می‌شنیدم.

از نظر برخی از مشارکت‌کنندگان، فشار هنجاری جامعه به قدری پرزور است که حتی در قشر دانشگاهی و فعالان دانشجویی نیز که به‌عنوان روشنفکران جامعه شناخته می‌شوند، رسوخ پیدا کرده و منجر به «تبعیض جنسیتی» حتی در فعالیت‌های دانشگاهی شده است. فائزه در این مورد می‌گوید:

کلاً دخترها، اونقدر این جور نمی‌شدن که بتونن برن توی اتحادیه یا مثلاً خیلی میدانی نداشتن برای صحبت کردن. با این‌که انجمن آزاداندیشی بود که همه امکان اینو داشتن که حرف بزنین، نظر بدن، ولی به‌هرحال تعداد پسرها بیشتر بود. ولی در مورد این‌که نظرات زیادتری دخترها داشته باشن، نظرات متفاوتی، من فکر می‌کنم اگر هم داشتن، خیلی خیلی از بچه‌ها خودخوری می‌کردن و نمی‌گفتن، به خاطر این‌که در واقع، اون میدان یا فضای امن رو احساس نمی‌کردن.

این نوع تبعیض‌ها در شرایط و فضای دانشگاهی نیز به‌وفور یافت می‌شود. دختران از اعمال فشار و محدودیت‌هایی صحبت کرده‌اند که با توجه به جنسیتشان در فضای دانشگاهی اتفاق افتاده است. فائزه از رفتاری سخن می‌گوید که باعث ایجاد محدودیت‌های بیشتری بر روی او شده است:

توی دانشگاه، اگر دختر باشی و بخوای فعالیت کنی، اولین تهدیدی که تو رو می‌کنند اینه که به خانواده‌ت زنگ می‌زنن و تمام مسائل شخصی‌ت رو به خانواده‌ت می‌گن. یعنی این کاری هست که دانشگاه کرد نسبت به دخترها و نسبت به پسرها این قضیه وجود نداشت. من خودم خیلی محدودتر شدم، از تایمی که دانشگاه به خانواده‌م زنگ زد خیلی محدودتر شدم، تو رفت‌وآمدم، توی فعالیتیم، مثلاً این به هزینه شخصی بود.

به‌گفته این فعالان، فضای اجتماعی - سیاسی حاکمیت نیز تبعیض‌های مختلفی را بر زنان اعمال می‌دارد که ما از آن با عنوان «چندگانگی تبعیض» یاد می‌کنیم. پریسا از وجود نوعی استبداد دوسویه بر زنان صحبت می‌کند که هم از طرف جامعه و هم از طرف سیستم اعمال می‌شود:

زن‌ها به‌واسطه این استبدادی که در قبالشون بوده، از اون طرف جامعه مردسالاری داریم که زن علاوه بر این‌که از طرف حکومت تحت فشاره، از طرف مردها هم تحت فشاره، یعنی استبداد دوسویه. همه این‌ها باعث میشه که شجاعت پیدا کنه واسه جریان‌سازی.

لعیا نیز از نابرابری سیستماتیک که در همه زمینه‌ها، از جمله در زمینه شغلی، وجود دارد می‌گوید:

شاید سرکار بحث حقوق‌های برابر باشد به‌جز پوزیشن. این‌که خب هنوز هم خیلی جاها با رده‌های برابر، تحصیلات برابر، مردها بیشتر می‌گیرن.

در چنین فضاهایی، دختران دانشجو تاکتیک‌هایی را اتخاذ می‌کنند که از نوع مقاومت مقابله‌ای است. به چالش کشیدن نظام معنایی مسلط و نفی و طرد کلیشه‌های زن‌ستیزانه، از تاکتیک‌هایی هستند که آن‌ها مورد استفاده قرار داده‌اند. به نظر لعیا، وقتی زنان در چنین جامعه‌ای زندگی می‌کنند، هر حرکتی در جهت نوعی سبک زندگی که برخلاف جریان عادی باشد، هرچقدر هم که حرکتی طبیعی و غیرسیاسی باشد، به‌نوعی مبارزه تعبیر می‌شود:

[زنان] خودِ بودنشون مسئله است، بنابراین این‌که کجا مستقر باشن، چه جور باشن، همه این‌ها مسئله می‌شه و اصلاً انگار وجودشون هم خودش یه جور مبارزه است. مثلاً هیچ‌وقت برای مردها این جور نیست که حضور پیدا کردنشون یه جایی به‌معنی مبارزه باشه، ولی برای زن‌ها اون قدر ممنوعیت‌ها زیاده که شما دوچرخه‌سواری می‌کنید، دارید مبارزه می‌کنید، ورزشگاه برید، دارید مبارزه می‌کنید، رو موتور بشینید، دارید مبارزه می‌کنید، یعنی این قدر سبک زندگی محدود شده که عملاً وقتی که آدم‌ها بخوان زندگی خودشون رو بکنن، انگار دارن مبارزه می‌کنن.

پریسا از این نوع سبک‌های مقاومتی در زندگی‌اش بسیار استفاده کرده است. در محیط زندگی او که همه‌چیز، از کوهنوردی تا دوچرخه‌سواری، برای دختران ممنوع بوده است، او تلاش کرده همه تابوها را بشکند و سبک زندگی خودش را داشته باشد:

مثلاً زمانی بود که دوچرخه‌سواری ممنوع بود. ما هم شهرستان کوچیک و بعد من از خونه تا دانشگاه، شهرکرد هم کوهپایه‌ست همه‌ش سربالایی سرپایینی، خیلی کار سختی بود، یعنی اصلاً لذت‌بخش نبود واسه من، ولی من با دوچرخه از خونه می‌ومدم دانشگاه.

اسما از کلیشه‌های جنسیتی می‌گوید که با آن‌ها به‌شدت مخالف است و در برابر آن‌ها مقاومت زیادی از خود نشان می‌دهد:

معمولاً به روش مستقیم، به‌خصوص اگه یه چیزی باشه که کلیشه‌های جنسیتی باشه، «چون تو دختری»، همین کلمه انگار من رو برمی‌انگیزه که بخوام واکنش مستقیم نشون بدم. در نوع خودم، تا اونجایی که تونستم، با هنجارهای خودم زندگی کردم و مسئله اینجاست که مثلاً سر

رانندگی یاد گرفتیم که پدرم خیلی اصرار داشتن که الان نه. چون این بهم آزادی عمل می‌داد، من خودم همه پولامو جمع کردم رفتم کلاس رانندگی ثبت‌نام کردم که رانندگی یاد بگیرم. بنابراین، تاکتیک‌های مقاومتی دختران تقریباً به‌طور روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرد، تا جایی که منجر به تغییر قوانین و یا رفع تبعیض جنسیتی شود. پریسا که در این مسیر بسیار تلاش کرده است، این راه را بسیار سخت و صعب‌العبور اما لازم می‌داند، چراکه امید دارد در نهایت، شاید منجر به تغییر نگرش‌ها و رویه‌ها شود:

من همیشه واسه اثبات خودم یه سری از کارها رو انجام دادم که اگه من پسر بودم، یا اگه تو یه جامعه‌ای زیست می‌کردم که این تبعیض‌ها رو قائل نمی‌شدن بین دختر و پسر، شاید یک رشته ورزشی دیگه رو انتخاب می‌کردم، واقعاً این شکلی بود، شاید ورزش محبوبم یه چیز دیگه میشد. کوه رو انتخاب کردم، چون اتفاقاً ورزشی بود که بیشترین تبعیض رو بین دختر و پسر می‌داشتن و من برای تقابل با این، کوه رو انتخاب کردم. حالا بماند که بعدش علاقه‌مند شدم، ولی مطمئناً شروعش به‌خاطر علاقه به کوه نبود، شروعش به‌خاطر اثبات خودم بود.

تاکتیک‌های مقاومتی سازنده

به‌طور کلی، تاکتیک‌های سازنده تاکتیک‌هایی هستند که به ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر کمک می‌کنند. با این حال، تفاوت‌هایی بین تاکتیک‌های گفتاری سازنده و تاکتیک‌های مقاومتی سازنده وجود دارد. درحالی‌که تاکتیک‌های گفتاری سازنده بیشتر درون‌گرا بوده و برای تقویت انسجام و مهارت‌های درونی یک گروه یا کارزار طراحی می‌شوند (مانند فعالیت‌های آموزشی)، تاکتیک‌های مقاومتی سازنده اغلب شامل اقدامات سازنده بیرونی است که هدف آن‌ها این است که مستقیماً حریف را وادار به تغییر رفتار یا حتی جهان‌بینی‌اش کنند. یک برنامه مقاومتی سازنده برنامه‌ای است که رفتارها، روش‌ها یا نهادهای جایگزین را بنیان می‌کند، یا نهادهای موجود را در اختیار می‌گیرد تا نیازهای اجتماعی را بهتر یا عادلانه‌تر برآورده کند. این نوع از تاکتیک‌ها نیز کم‌وبیش از تاکتیک‌های مورد استفاده مشارکت‌کنندگان در این تحقیق بوده است که آن‌ها را تحت سه دسته کلی «نهادهای سازنده حوزه کنش اعتراضی»، «اصلاح روندهای آموزشی دانشگاه» و «ایجاد یک خرده‌فرهنگ» بررسی می‌کنیم.

شاید بتوان گفت مهم‌ترین و بنیادی‌ترین فعالیتی که پیش‌نیاز سایر فعالیت‌ها است، نهادینه کردن حوزه کنش اعتراضی است تا از این طریق، بتوان اعتراضات و مطالبات را به صورتی

نهادمند پیگیری کرد. به نظر می‌رسد که گروه‌های دانشجویی نیز روند حرفه‌ای‌سازی و نهادینه کردن را برای دستیابی به مطالبات خود و اثرگذاری بیشتر دنبال می‌کنند تا بدین طریق بتوانند با اعمال فشار در مواقع لزوم، مسئولان را در برابر مطالبات خود پاسخ‌گوتر کنند و از میل به تمرکز قدرت بکاهند.

به همین دلیل، پریسا نخستین فعالیت‌های خود را تلاش برای ایجاد نهادهای فعالیت دانشجویی در دانشگاه عنوان می‌کند که در برهه‌ای از زمان، به دلایل مختلف، از سطح دانشگاه‌ها حذف شده بود:

ورود ما این شکلی شد که هیچ نهاد رسمی در اختیار نداشتیم. پس اولین اعتراضمون این شد که ما اصلاً یک نهاد رسمی می‌خواهیم، یعنی شروعش این شکلی بود. بزرگ‌ترین درخواست و مطالبه و اعتراض ما این بود که چرا بسته شده؟ مثلاً انجمن اسلامی، شورای صنفی وجود ندارد و می‌خواهیم ما، شورای صنفی می‌خواهیم، ما یک نهاد رسمی می‌خواهیم که بتونیم اونجا فعالیت کنیم.

اسما نیز هدف بلندمدتی را که برای خودش در نظر گرفته، پابرجا ماندن انجمن علمی و انتقال آن به ورودی‌های سال‌های آینده می‌داند. وی نهادهای دانشجویی را همچون میراثی می‌داند که مثل یک امانت باید به نسل‌های آینده برسد:

یکی از اهداف بلندمدتی که توی این دوران خودم برای خودم، یعنی از لحاظ شخصی، در نظر گرفتم، اینه که این فعالیت دانشجویی برقرار بمونه و بچه‌ها بدونن که این در واقع انجمن‌ها یک پایگاه‌هایی هست برای فعالیت کردن و تقویت بدنه دانشجویی و گاهی رایزنی با ساختار دانشگاه. بنابراین، همان‌طور که ملاحظه می‌شود، نهادینه‌سازی حوزه کنش اعتراضی، به‌عنوان نهادی جایگزین که بتواند نقشی در برآورده کردن عادلانه‌تر نیازهای اجتماعی داشته باشد، همواره مدنظر مشارکت‌کنندگان بوده است.

یکی دیگر از تاکتیک‌های مقاومت سازنده، اصلاح روندهای آموزشی دانشگاه بوده است. از آن‌جا که بهره‌گیری از آموزش مناسب و عادلانه از مهم‌ترین اهداف دانشجویی است، فعالان این حوزه، به‌طور مداوم، بر فرایندهای آموزشی و مطالبات صنفی برای هرچه بیشتر عادلانه شدن وضعیت آموزشی و تحصیلی دانشجویان متمرکز بوده‌اند و در کنار سایر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، این هدف را نیز با جدیت دنبال کرده‌اند و جالب آن‌که در زمینه پیگیری این نوع از

اهداف، موفق تر عمل کرده‌اند. قابل ذکر است که این نوع از فعالیت‌ها گستره بزرگی نیز دارند و از مطالبات آموزشی تا تغییر فضا و محیط دانشکده را دربرداشته‌اند.

اسما اعتراضات آموزشی را جزء اعتراضات مداوم بدنه دانشجویی می‌داند و این‌که در تمام دوران فعالیتش، از این جنبه اعتراضاتی داشته‌اند:

توی این ۴ سال که دانشجو بودم، یه سری اعتراضات آموزشی داشتیم ما به آموزش و به چارت دروسی که ارائه می‌شد و حالا این در واقع تو خود دانشگاه و ساختار دانشگاه بود.

بیتا نیز ملموس‌ترین مشکل دانشجویان را انتخاب واحد می‌داند که همواره به‌صورت از بالا به پایین برنامه‌ریزی می‌شده و بنابراین مورد اعتراض دانشجویان قرار داشته است:

مسائل آموزشی کوچک‌ترین خب انتخاب واحده. بچه‌ها همیشه سر انتخاب واحدها توی دانشگاه مشکل داشتن. یعنی همیشه آموزش از بالا به پایین واحدها رو می‌چید، می‌گفت حتماً این درس رو باید با فلان استاد بردارید، در صورتی که اون استاد کلاً دانشجویها باهانش مشکل داشتن و اصلاً نه تدریسش خوب بود نه هیچ چیز دیگه‌ای، فقط چون رانت داشت، آموزش بچه‌ها رو مجبور می‌کرد که با اون استاد بردارن و اگر برنمی‌داشتن، بعداً خودشون متضرر می‌شدن، چون مثلاً ترم هشت یا نه مجبور می‌شدن باز هم اون درس رو با همون استاد بردارن. از دیگر فعالیت‌های مشارکت‌کنندگان که به‌ویژه در شرایط همه‌گیری کرونا انجام شده و با پیگیری‌های زیاد مثمر‌تر واقع شده، مربوط به مشکلات صنفی دانشجویان، از مسئله خوابگاه تا میزان شهریه بوده است. مهم‌ترین فعالیتی که بیشتر شرکت‌کنندگان به آن اشاره کردند، مسئله کاهش و تقسیم شهریه برای دانشجویان شبانه بود. پریسا از فعالیت‌های مستمرشان برای تقسیم شهریه و شرایط دشواری که پیش از آن برای دانشجویان وجود داشت می‌گوید و از آن به‌عنوان یک هدف بلندمدت یاد می‌کند که همانند میراثی از آن‌ها به یادگار مانده است:

دانشگاه برای دانشجویهای شبانه تقسیم شهریه نداره. یعنی بچه‌ها موظف بودن قبل از انتخاب واحد، شهریه اون ترم رو کامل پرداخت کنن، بعد انتخاب واحدشون باز می‌شد. کاری که کردیم که جزء اهداف بلندمدت همیشه، تعداد جلسات خیلی طولانی‌مدت با مسئولین دانشگاه گذاشتیم که تقسیم شهریه انجام بشه و شد، هم اتوماسیونی شد که بعد از ما این میراث مونده، یعنی الان تو اتوماسیون دانشگاه هست. سه قسط شده شهریه بچه‌های شبانه که مثلاً اینا یک سومش رو اول پرداخت می‌کنن، بعد انتخاب واحد باز میشه و دو قسط دیگه‌ش رو تو ترم تا آخر ترم و این جزء اتوماسیون دانشگاه شد و این میراث موند دیگه.

اسما نیز اشاره می‌کند که با مجازی برگزار شدن کلاس‌ها و با توجه به پایین آمدن هزینه‌های دانشگاه، از جمله هزینه‌های آب و برق و گاز، کاهش شهریه در دستور کار شورای صنفی قرار می‌گیرد تا هزینه‌ها به صورت عادلانه‌تری اخذ شود. پریسا که خود از اعضای فعال شورای صنفی در آن زمان بوده، چنین می‌گوید:

یه کار دیگه‌ای که کردیم، این بود که کلاس‌ها مجازی شده بود به خاطر کرونا و خب بیست درصد تخفیف گرفتیم واسه شهریه کل بچه‌های شبانه دانشگاه که چون الان کلاس مجازیه و اینا شهریه کلاس‌های حضوری رو دادن نه کلاس مجازی و حداقل کاری که میشه کرد تخفیف شهریه است که با کلی چونه و دعوا، بیست درصد تخفیف شهریه گرفتیم.

سومین مضمونی که در تاکتیک‌های مقاومتی سازنده مورد بررسی قرار می‌گیرد، «ایجاد خُرده‌فرهنگ» است. همان‌طور که ذکر شد، بسیاری از تاکتیک‌های مقاومتی، اعم از مقابله‌ای یا سازنده، ذیل اعمال و رفتارهای روزمره مقاومت در برابر ساختارهای قدرت صورت می‌گیرد. یکی از این تاکتیک‌ها ایجاد یک خُرده‌فرهنگ عدم رضایت است. اکثر مشارکت‌کنندگان در این تحقیق، با اعتقاد به توانایی تأثیرگذاری در محیط پیرامونشان، به نوعی احساس رسالت در مورد مسائل اجتماعی، به‌ویژه مسائل مربوط به زنان را دارا بودند. بسیاری از آن‌ها با توجه به مقاومت‌های مختلفی که به‌طور روزمره در برابر سرکوب و سلطه ساختاری از خود نشان داده بودند، به نوعی خود را متمایز و متفاوت از سایر زنان می‌دانستند که به‌مرور زمان، آن‌ها را به یک خُرده‌فرهنگ اعتراضی تبدیل کرده است. از نظر آن‌ها، مهم‌ترین ویژگی این خُرده‌فرهنگ، مقاومت در برابر تبعیض و سلطه است که از خانواده شروع شده و به سطح جامعه بسط یافته است؛ خُرده‌فرهنگی که می‌تواند به‌عنوان الگویی از نه گفتن در برابر ساختارهای قدرت مورد تقلید و استقبال دیگران، به‌ویژه زنان، قرار گیرد. در واقع، خُرده‌فرهنگی که مشارکت‌کنندگان از آن صحبت می‌کنند، حاصل هویتی است که بخش عمده آن ناشی از فعالیت در حوزه کنش دانشجویی است.

پریسا که با توجه به شهرستان محل زندگی‌اش محدودیت‌های مضاعفی را تجربه کرده، بارها از شکستن حصارها سخن گفت و در نهایت نتیجه گرفت که می‌توان او و افراد مانند او را در قالب یک خُرده‌فرهنگ قرار داد:

من همیشه به این فکر می‌کنم، الآن هم به شما میگم. من خب یکسری از کارها رو توی زندگیم انجام دادم که در قالب یک خُرده‌فرهنگ جا می‌گیره، یا متمایز میشم با همه آدم‌هایی

که اطراف من زندگی کردن. مثلاً من با همه دخترهایی که توی شهر من به دنیا اومدن و زیست کردن متمایز بودم باهاشون، به واسطه یک سری کارها.

اسما خود و دوستانش را خُرده فرهنگی می‌داند که از ظاهر و نوع پوشش تا نوع علاقه‌مندی‌ها، با دیگران متفاوت هستند:

آره شاید همه ویژگی‌های یک خُرده فرهنگ رو دارن. از نوع حتی ظاهریش بگیریم، نوع پوششش بگیریم تا نوع شرکت کردن در فعالیت‌های مشخص، سرگرمی‌های مشخص گپ‌وگفت‌های مشخص.

بنابراین، چنانچه دیدیم، تاکتیک‌های مقاومتی سازنده‌ای که توسط مشارکت‌کنندگان این تحقیق به کار برده شده، بیشتر شامل اقدامات سازنده بیرونی است که هدف آن‌ها تغییر رفتار حریف، اعم از تغییرات آموزشی یا پاسخ مناسب به مطالبات صنفی دانشجویان است تا نیازهای اجتماعی آن‌ها را بهتر یا عادلانه‌تر برآورده کند. علاوه بر این، آن‌ها با ایجاد یک خُرده فرهنگ عدم رضایت، در برابر سلطه ساختاری و نهادی قد علم کرده و تا حدودی آن‌ها را وادار به پذیرش و تغییر رفتار کرده‌اند.

استراتژی‌ها

همان‌طور که دیدیم، تاکتیک‌ها را می‌توان به‌مثابه روش‌های مجزا برای دستیابی به هدفی محدود دانست. تاکتیک‌ها معمولاً بسته به زمینه و بستر تغییر می‌کنند و همان‌طور که مشارکت‌کنندگان نیز اشاره کرده‌اند، هر شرایطی روش و تاکتیک خاصی را می‌طلبد؛ بنابراین، معمولاً تاکتیک‌ها طول عمر کمتری دارند و به‌طور کوتاه‌مدت مورد استفاده قرار می‌گیرند.

استراتژی‌ها راهبردهایی هستند که برای رسیدن به اهداف بلندمدت برنامه‌ریزی و طراحی می‌شوند. «برنامه‌ریزی استراتژیک به معنای محاسبه روندی از اقدامات است که احتمال رسیدن از وضعیت فعلی به وضعیت دلخواه در آینده را بالا می‌برد» (شارپ، ۲۰۰۲: ۲۶). به‌عبارت‌دیگر، هر استراتژی مجموعه‌ای از تاکتیک‌های مختلف را در دستور کار خود دارد تا در نهایت رسیدن به هدف مدنظر را امکان‌پذیر کند؛ بنابراین، رسیدن به اهداف استراتژیک نیازمند تلاش مستمر و بی‌وقفه فعالان است که گاه چندین سال طول می‌کشد. بیشتر جنبش‌ها سال‌ها به‌وقت نیاز دارند تا به موفقیت چشمگیر دست یابند. لذا، طبق اظهارات مشارکت‌کنندگان در این تحقیق، به دو دلیل، معمولاً اهداف خیلی بلندمدت در فعالیت‌های دانشجویی مدنظر نیست: اول کوتاه

بودن زمان دوره دانشجویی و دوم محدودیت‌های مختلفی که مانع از ترسیم اهداف بلندمدت و پیگیری آن‌ها می‌شود.

با وجود چنین محدودیت‌هایی، آنچه از گفته‌ها و تجربیات مشارکت‌کنندگان دریافت می‌شود، حاکی از وجود دو استراتژی کلی در فعالیتهای دانشجویی و روزمره آن‌ها است:

تغییر قوانین: مشارکت‌کنندگان به‌طور مستمر و طولانی‌مدت، خواهان تغییر قوانین اغلب غیرعادلانه، به‌ویژه تغییر قوانین تبعیض‌آمیز جنسیتی چه در سطح دانشگاه و چه در سطح زندگی روزمره بوده‌اند. آن‌ها تلاش کرده‌اند با اخذ تاکتیک‌های مقاومتی تا جایی که می‌توانند، قوانین را تغییر دهند و اگرچه همیشه در این راه موفق نبوده‌اند، ولی طی مسیر، به موفقیت‌هایی از جمله تغییر قوانین آموزشی دانشگاه دست پیدا کرده‌اند.

ایجاد فضای باز سیاسی: همان‌طور که ملاحظه شد، بیشتر فعالیتهای مشارکت‌کنندگان را می‌توان به‌نوعی فعالیت سیاسی در نظر گرفت. فعالیتهای سیاسی از این نوع، معمولاً در برابر فضای سیاسی و مسائل روز جامعه شکل می‌گیرند و خواهان باز شدن فضای سیاسی برای فعالیت گروه‌های رقیب هستند. مشارکت‌کنندگان اغلب با اخذ تاکتیک‌های گفتاری، پیامی با این مضمون را انتقال می‌دهند که منتقدانی بیرون از گفتمان رسمی حاکمیت وجود دارد. با توجه به حساسیت زیادی که در مورد فضای سیاسی وجود دارد، این استراتژی نیازمند زمانی طولانی برای تحقق است.

بنابراین، می‌توان گفت که انتخاب استراتژی‌ها در یک مجموعه پیچیده از زمینه‌های فرهنگی و نهادی انجام می‌شود که خود کنش‌گران با درک آن‌ها، انتخاب‌هایی را انجام داده و نتایج را شکل می‌دهند. استراتژی به‌عنوان بخشی از فرایندی شناخته می‌شود که از طریق آن، کنش‌گران جنبش اجتماعی دنیای خود را تعریف می‌کنند، از جمله عدم تقارن قدرت و ابزارهای بالقوه برای تغییر آن‌ها.

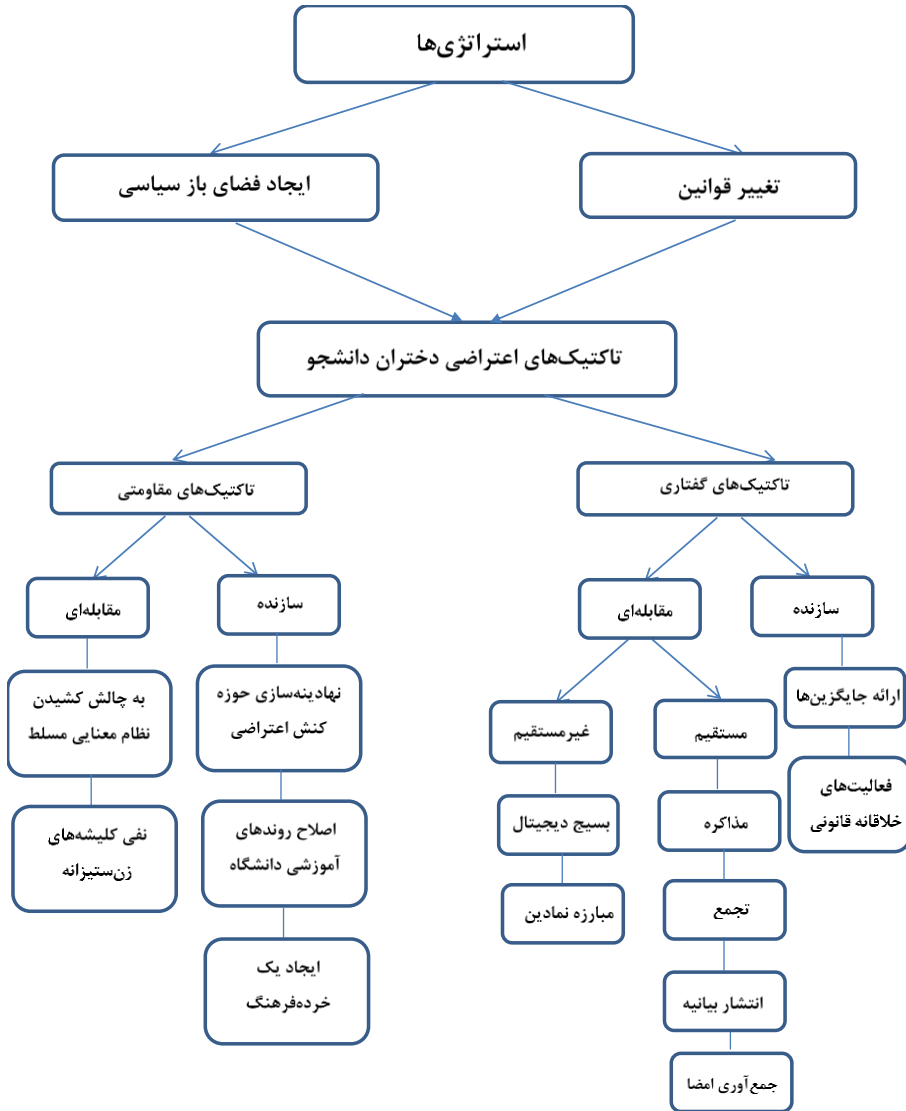
نتیجه‌گیری

هرروزه، کنشگری بدون خشونت در بسیاری از جوامع در اشکال گوناگون رخ می‌دهد. در بسیاری از کشورها، دامنه پوشش کنشگری‌های مسالمت‌آمیز به گونه فزاینده‌ای گسترش یافته و عناصر هنری و فرهنگی مثل کتاب‌ها و فیلم‌ها، داستان‌های مبارزات عدم خشونت و مردم‌عادی را بازگو می‌کنند.

مشارکت‌کنندگان در این تحقیق، با توجه به اهداف استراتژیکشان، بسته به زمینه و شرایط، تاکتیک‌های گفتاری یا تاکتیک‌های مقاومتی مختلفی را مورد استفاده قرار داده‌اند. آن‌ها تاکتیک‌های گفتاری و مقاومتی از نوع کنش مقابله‌ای را اغلب برای اجبار حریف به انجام کاری یا پذیرش خواسته‌ای به کار برده‌اند، ولی تاکتیک‌های گفتاری و مقاومتی از نوع کنش سازنده را بیشتر برای اقناع طرف مقابل مبنی بر این‌که خواسته‌ای غیر از آنچه شما می‌پندارید وجود دارد که باید به آن فرصت ابراز و بیان داده شود.

با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق، عمدتاً از صدها اقدامی که در دسترس کنشگران وجود دارد، آن‌ها معمولاً به تعداد اندکی از فعالیت‌های آشنا پایبند هستند. اعتراضات جدید به چند دلیل به دنبال سنت‌های اعتراضی موجود است: یک دلیل این است که کنشگران نسبت به این‌که چگونه این کار را انجام دهند، دانش لازم را در اختیار دارند. به علاوه، اگر یک تاکتیک آشنا باشد، احتمالاً از نظر اخلاقی قانونی است و بعید است که مخاطبان با واکنش اعتراضی چندان خشمگین شوند. سرانجام، با توجه به عرصه‌ها و منابع موجود، برخی کنش‌ها آسان‌تر از سایر کنش‌ها هستند. معترضین معمولاً تاکتیک‌هایی را که متناسب با عرصه‌هایی که با آن‌ها روبه‌رویند نیستند، رها می‌کنند و از دیگر تاکتیک‌هایی که در شرایط خاص هر اعتراض مناسب باشند بهره می‌برند. به عبارت دیگر، آن‌ها کلیدهای مناسب برای باز کردن قفل‌های موجود را پیدا می‌کنند.

با این حال، هرگز چنین نبوده که معترضین به‌طور ساده کلید مناسب را پیدا کنند، بلکه گاه با استفاده از تغییر عرصه‌ها یا ابداع روش‌های جدید، تاکتیک‌های جدیدی را اختراع می‌کنند. یک حرکت خلاقانه اغلب هنگامی رخ می‌دهد که حرکات طبیعی مسدود شده باشد و دیگر نتوان به راحتی از سنت‌های اعتراضی استفاده کرد. همان‌طور که دیدیم، مشارکت‌کنندگان در این تحقیق نیز، گاه با استفاده از ابتکارات هنری و یا هنجارشکنی، توانسته‌اند توجهات را به سوی خود جلب نموده و حتی در نتیجه‌گیری موفق شوند؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که دختران دانشجو از تاکتیک‌های مختلفی اعم از سنت‌های اعتراضی و روش‌های خلاقانه برای بیان اعتراضات خود استفاده کرده‌اند.



نمودار ۲. سلسله‌مراتب مضامین تحقیق

منابع

- امام‌جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۹۲)، سنجش رابطه فرهنگ سیاسی و رفتار سیاسی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۱، بهار: ۱۳۹۲ - ۱۱۹ - ۱۳۴
- جانستون، هنک (۱۳۹۹)، جنبش اجتماعی چیست، ترجمه سعید کشاورزی و مریم کریمی، تهران: ثالث.
- زندى، محمدمین و طوسی، فرشته (۱۴۰۱)، فرایند طرد و حذف زنان در جنبش دانشجویی ایران، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره شانزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱.
- Beer, Michael A. (2021), *Civil Resistance Tactics in the 21st Century*, ICNC Press.
- Ebert, Theodore, (1970), *Gewaltfreier Aufstand: Alternative zum Bürgerkriegm Nonviolent Uprising: Al-ternatives to Civil War*, Hamburg: Fischer Verlag.
- Doherty, Brian and Hayes, Graeme (2012), "Tactics, Traditions, and Opportunities: British and French Crop-Trashing Actions in Comparative Perspective", *European Journal of Political Research* 51: 540-562.
- Doherty, Brian and Hayes, Graeme (2014), "The Courts: Criminal Trials as Strategic Arenas", in: Jan Willem Duyvendak and James M. Jasper (eds.), *Breaking Down the State*, Amsterdam: Amsterdam University Press.
- Doherty, Brian and Hayes, Graeme (2019), "Tactics and Strategic Action", in: *The Wiley Blackwell Companion to Social Movements*, second edition, pp. 271-288.
- Goodwin, Jeff and Jasper, James M. (1999), "Caught in a Winding, Snarling Vine: The Structural Bias of Political Process Theory", *Sociological Forum* 14: 27-54.
- Huberman, Michael & Miles, Matthew B. (Eds.) (2002). *The Qualitative Researcher's Companion* [15 paragraphs]. *Forum Qualitative Sozialforschung / Forum: Qualitative Social Research*, 3(4), Art. 36.
- Hurwitz, Heather McKee and Taylor, Verta (2012), "Women's Cultures and Social Movements in Global Contexts", *Sociology Compass* 6/10: 808-822.
- ImamJumazadeh et al. (1392), investigation of the relationship between political culture and political behavior of female students of Isfahan University, *Women in Development and Politics*, Volume 11, Number 1, Spring: 2012: 119-134.. (In Persian)
- Jasper, James M. (2004), "The Intellectual Cycles of Social-Movement Research: From Psychoanalysis to Culture", in: Jeffrey Alexander and Gary T. Marx and Christine Williams (eds.), *Self, Social Structure, and Beliefs: Explorations in Sociology*, Berkeley: University of California Press.
- Jasper, James M. (2014), "Protest: A Cultural Introduction to Social Movements", in: Frederick F. Wherry, *The Culture of Markets*.
- Johnston, Hank (1399), "What is a social movement?", Translated by Saeed Keshavarzi and Maryam Karimi, Tehran: Sales. (In Persian)
- Ratnawati (2019), "Women's Movements and Democratic Space in Yogyakarta (The Movement Strategies and Tactics of PKBI DIY and Needle and Bitch Community)", *ICEMSS 2018*, December 7-8, Banyuwangi, Indonesia.
- Sharp, Gene (2002), *From Dictatorship to Democracy*, The Albert Einstein Institution.

- Tilly, Charles (2003), *The Politics of Collective Violence*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Vinithagen, Stellan and Johansson, Anna (2013), "Everyday Resistance": Exploration of a Concept and its Theories, *Resistance studies magazine*, 2013.
- Zandi, Mohammad Amin and Toosi, Fereshte (1401), the process of exclusion of women in Iran's student movement, *Iranian Journal of Social Studies*, 16th volume, number 2, summer 1401. (In Persian)